

جنگ و تأثیرات آن بر اقتصاد نفتی ایران

آمنه جلیوند*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۵

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۶/۲۴

	<p>جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای منطقه و طولانی‌ترین جنگ در بین دو کشور جهان سومی پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌آید. این جنگ عوارض و تبعات بسیاری از خود بر جای گذاشت که از میان آنها آنچه درخور توجه و تأمل بیشتری است پیامدهای اقتصادی آن می‌باشد. جنگ، شرایط خاصی را بر اقتصاد نفتی ایران تحمیل کرد، که بسیار قابل توجه می‌باشد. هدف پژوهش حاضر، پرداختن به تأثیرات جنگ بر اقتصاد نفتی ایران است. این مقاله در نظر دارد با مقایسه وضعیت اقتصادی ایران بر پایه تولید، صادرات و درآمد نفت در دوران جنگ و قبل از آن و ارائه آمارهای لازم، تأثیرات جنگ را بر اقتصاد نفتی ایران مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های موجود نشان می‌دهد جنگ صدمات بسیاری بر تولید، صادرات و درآمدهای نفتی ایران وارد کرده، به طوری که تولید و فروش نفت در پایان جنگ به حدود ۲/۶ میلیون بشکه در روز کاهش یافت.</p> <p>واژه‌های کلیدی: جنگ تحمیلی / بحران اقتصادی / نفت / خلیج فارس / انرژی / اوپک</p>	<p>چکیده</p>			

مقدمه

و پیامدهایش به طور متناوب کانون توجهات جهانی بوده است. جنگ ایران و عراق بر حسب مقیاس انهدام و پیامد اثرات اقتصادی آن، به عنوان یکی از مخرب‌ترین مناقشات در سال‌های پایانی قرن بیستم دسته‌بندی می‌شود. نقش عوامل اقتصادی به طور کلی در جنگ و به ویژه در جنگ ایران و عراق در درجه اول اهمیت قرار دارد.

بی‌شک یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در روند

جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، از وقایع بسیار مهم در تاریخ معاصر ایران و رخدادی مهم در تاریخ منطقه و جهان محسوب می‌شود که از یک طرف یادآور تحمل سختی‌ها و دلاوری‌های ملت بزرگ ایران و از طرف دیگر بیان‌کننده آسیب‌ها و خسارات اقتصادی وارده بر پیکره اقتصاد ایران است. در ماه سپتامبر ۱۹۸۰ ارتش عراق به ایران تجاوز کرد، از آن زمان به این طرف، جنگ

* کارشناس ارشد رشته روابط بین‌الملل



جنگ ایران و عراق، موقعیت و توان اقتصادی طرفین در طول این دوران و قبل و بعد از آن بود. این توانایی‌ها بالطبع به میزان تولید نفت، صادرات آن و نیز صادرات غیرنفتی و ارزش حاصل از آن بستگی داشت و می‌توانست در فراز و نشیب دوران جنگ در کنار عوامل سیاسی، نظامی و فرهنگی عامل تعیین‌کننده‌ای باشد.

این مقاله در صدد است با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی ایران بر پایه تولید، صادرات و درآمدهای نفتی در

دوران جنگ تحمیلی و قبل از آن و ارایه آمارهای لازم، تأثیرات جنگ را بر اقتصاد نفتی ایران مورد بررسی قرار دهد. برای این منظور به وضعیت اقتصاد نفتی ایران در آستانه جنگ و بعد از آن، نقش نفت در روند جنگ تحمیلی، جنگ نفتکش‌ها به عنوان عاملی مهم و تأثیرگذار بر تولید و صادرات نفت و نقش عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی بر اوضاع اقتصاد نفتی می‌پردازد. هدف اساسی این مقاله پاسخ به این پرسش است که جنگ ایران و عراق چه تأثیراتی بر تولید نفت ایران و صادرات و درآمدهای ارزی حاصل از آن داشته است؟ بدیهی است برای پاسخ به این پرسش کلی ضروری است به پرسش‌های فرعی دیگری نظیر:

نفت چه اهمیتی در اقتصاد ایران دارد؟ وضعیت اقتصادی ایران با تکیه بر تولید، صادرات و درآمدهای نفتی قبل از آغاز جنگ تحمیلی چگونه بود؟ وضعیت اقتصادی ایران با تکیه بر تولید، صادرات و درآمدهای نفتی در طول دوره جنگ تحمیلی چگونه بود؟ پاسخ داده شود.

همچنین، این فرضیه که عمده‌ترین تأثیرات جنگ بر اقتصاد نفتی ایران، رکود شدید اقتصادی، کاهش شدید قیمت و صادرات نفت در بازارهای جهانی بود، مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

در این مقاله، جنگ ایران و عراق به عنوان متغیر مستقل و تأثیرات آن بر اقتصاد نفتی ایران به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مقاله حاضر بر این موضوع تأکید دارد که عوامل اقتصادی به طور کلی در جنگ و به ویژه در جنگ ایران و عراق در درجه اول اهمیت قرار دارد. درونمایه اصلی این مقاله، بررسی و برآورد تأثیرات جنگ تحمیلی بر تولید نفت، صادرات و درآمدهای ارزی آن بر ایران می‌باشد.

این مقاله از چهار بخش تشکیل شده است: بخش نخست با عنوان اهمیت نفت در اقتصاد ایران به بیان اهمیت و نقش نفت در اقتصاد ایران می‌پردازد. بخش دوم با عنوان اوضاع اقتصاد نفتی ایران قبل از شروع جنگ تحمیلی، به بررسی وضعیت اقتصادی ایران با تکیه بر تولید نفت، صادرات و درآمدهای حاصل از آن در آستانه جنگ تحمیلی و ارائه آمارهای لازم در زمینه فروش و صادرات نفت اختصاص یافته است. در بخش سوم وضعیت اقتصادی ایران با تکیه بر تولید نفت، صادرات و درآمدهای حاصل از آن در طول دوره جنگ تحمیلی مورد بررسی قرار گرفته است. نهایتاً در بخش پایانی با عنوان تأثیرات جنگ تحمیلی بر تولید، صادرات و درآمدهای نفتی، آثار جنگ ایران و عراق بر تولید،

درآمدهای نفتی نقش دوگانه‌ای در اقتصاد ایران دارند. از یک سو به عنوان منبع درآمد بالنسبه مهم برای دولت هستند بخش بزرگی از مخارج بودجه عمومی از کشور را تأمین می‌کنند. از سوی دیگر، بخش مهمی از درآمدهای نفتی، صرف اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه ملی شده و در آن پروژه‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود.^(۶)

نفت به عنوان تأمین‌کننده سوخت ارزان و دائمی و تأمین‌کننده ماده اولیه صنایع پتروشیمی، در مقایسه با نقش مالی آن هنوز قابل توجه نیست. نقش اساسی صنعت نفت در اقتصاد ایران همواره نقش مالی آن بوده

است. صنعت نفت ایران تنها یک کارکرد اساسی داشته و آن نیز تأمین ارز بوده است. دستگاہی عظیم برای اکتشاف، استخراج و صدور نفت خام به وجود آمد تا صرفاً به کسب درآمد برای دولت بپردازد. صدور نفت خام در کل ساختار اقتصادی ایران چنان اهمیتی یافت که به تک محصولی شدن اقتصاد ایران انجامید. به تدریج

جنگ باعث شد، درآمدهای نفتی مجدداً نقش مؤثر و عمده‌ای را در اقتصاد ایران ایفا کند

درآمد حاصل از فروش نفت در اثر افزایش استخراج و سپس افزایش قیمت آن رشد یافت. اما در مقایسه با آن، بخش‌های دیگر اقتصادی کشور از رشد واقعی باز ماندند و به واردات متکی شدند.^(۷)

در دهه‌های گذشته، به طور متوسط ۹۰ درصد درآمد ارزی کشور از محل فروش نفت تأمین و صرف واردات مختلف شده است. از منظر کشورهای قدرتمند، نفت مهم‌ترین عامل آسیب‌پذیری ژئوپلیتیکی ایران است؛ از این رو سیاست‌های خود را برای آسیب رساندن به ایران، بر روی آن متمرکز کرده‌اند. تحریم داماتو درباره صنایع نفت و گاز ایران که از سوی آمریکا اعمال شده بیانگر این مسئله است.

صادرات و درآمدهای ارزی حاصل از آن در ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

اهمیت نفت در اقتصاد ایران

با مطالعه تاریخ کشورمان به خوبی می‌توانیم تأثیرات اساسی و عمیق نفت را در شکل‌دهی و جهت‌گیری اقتصاد، سیاست و حتی فرهنگ مشاهده کنیم. علاوه بر تأثیر نفت بر مسائل سیاسی، نقش تعیین‌کننده نفت در اقتصاد قابل مطالعه و بررسی عمیق است.^(۱)

در جهان امروز، نفت نه تنها به عنوان یک عامل تعیین‌کننده اقتصادی و صنعتی، بلکه به عنوان یک عامل سیاسی و امنیتی نیز مطرح می‌باشد. در واقع نفت یک فاکتور اساسی در جهت تأمین امنیت ملی به شمار می‌آید. رشد اقتصادی مستلزم برخورداری و بهره‌وری از دو عامل سرمایه و انرژی می‌باشد. رفاه مستلزم رشد اقتصادی و رشد اقتصادی مستلزم برخورداری از انرژی است.^(۲)

بهره‌برداری از نفت در کشورهای نفت‌خیز از جمله ایران، به عنوان اصلی‌ترین منبع ایجاد درآمد، بر اقتصاد این کشورها تأثیر می‌گذارد. تعیین میزان این تأثیر، در واقع نشان‌دهنده میزان وابستگی کشورهای نفت‌خیز به نفت است.^(۳)

در ساده‌ترین روش، نقش نفت را در توسعه اقتصادی کشورهای نفت‌خیز می‌توان با سهم ارزش افزوده این بخش در تولید ناخالص ملی آن نشان داد. هر چه سهم ارزش افزوده بخش نفت بیشتر باشد، اهمیت این ماده در توسعه اقتصادی بیشتر خواهد بود.^(۴)

اقتصاد ایران به طور عمده بر پایه نفت قرار داشته و دارد. در ایران، از سویی نفت به عنوان یک منبع انرژی، زندگی و اقتصاد کشور را متحول ساخته و رشد و توسعه اقتصادی را باعث شده و از سوی دیگر، موجب ترقی و پیشرفت در تمامی شئون اقتصادی و اجتماعی شده است. عواید حاصل از فروش نفت، همواره بخش مهمی از درآمدهای دولت‌های ایران را تشکیل داده است. با مقایسه درآمدهای حاصله از صادرات نفتی و غیرنفتی ایران، میزان درصد بالای درآمدهای نفتی دولت از نفت مشخص می‌شود.^(۵)

خودداری کشورهای عربی از فروش نفت به حامیان اسرائیل، در کمتر از شش ماه قیمت نفت چهار برابر شده و به ۱۲ دلار رسید. از سال ۱۹۷۴ (سال ۱۳۵۳) تا پایان دهه ۱۹۷۰، قیمت نفت بین ۱۲/۲ تا ۱۳/۵ دلار در نوسان بود.^(۱۱) آغاز تکانه نفتی در سال ۱۳۵۲ و افزایش شدید قیمت نفت، به افزایش سهم درآمدهای نفتی در بودجه دولت تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد. لذا درآمدهای نفتی که تا پیش از دهه ۱۳۵۰ نزدیک به پنجاه درصد از درآمدهای دولت را تأمین می کرد، در بازده زمانی ۱۳۵۷-۱۳۵۲ به ۷۵/۲ درصد کل درآمدهای کشور افزایش یافت. افزایش قیمت نفت به افزایش درآمدهای نفتی کشورهای صادرکننده نفت، از جمله ایران منجر شد، به طوری که به ۶۹۵ و ۶ میلیارد ریال رسید.^(۱۲)

علاوه بر افزایش قیمت و تکانه های نفتی که از سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) آغاز شد، از این سال به بعد تولید و صادرات نفت ایران نیز افزایش یافت. ارزش افزوده بخش نفت در سال ۱۳۳۸ معادل ۲۹۲٫۸ میلیارد ریال بود که با افزایش درآمدهای دولت که در پی افزایش درآمدهای نفتی اتفاق افتاد، این مبلغ در سال ۱۳۵۲، به ۱۷۳٫۸۲ میلیارد ریال رسید.^(۱۳)

در دهه ۸۰ تقاضا برای نفت کشورهای اوپک از جمله ایران در مقایسه با اواسط دهه ۷۰ کاهش یافت. در سال های اولیه پس از انقلاب کاهش تولید نفت خام ایران چندان تأثیر منفی بر درآمدهای ارزی کشور نگذاشت. علت عمده آن را نیز باید در افزایش قیمت نفت خام در بازار جهانی به دنبال وقوع انقلاب اسلامی در ایران جستجو کرد.^(۱۴)

پس از پیروزی انقلاب، سیاست نفتی بر پایه حفظ منافع و ذخایر موجود برای نسل های آینده کشور تدوین شد. با آنکه متوسط صادرات روزانه نفت ایران در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ نسبت به نیمه اول بهمن سال از ۴/۹ میلیون بشکه به کمتر از دو میلیون بشکه رسید. اما در طی اجرای سیاست جدید نفتی در سال ۱۳۵۸ متوسط صادرات نفت ایران به ۲/۹ میلیون بشکه در روز رسید.^(۱۵) همزمان صدور نفت ایران به کشورهای اسرائیل و آفریقای جنوبی قطع شد. در چارچوب کشورهای اوپک نیز سیاست محدودیت صدور و افزایش قیمت

از سوی دیگر، نفت مهم ترین عامل تحقق سیاست منطقه ای ایران بوده است. از آغاز دهه ۱۹۶۰ و با ایجاد اوپک به تدریج بر قدرت کشورهای صادرکننده نفت از جمله ایران افزوده شد. افزایش بهای نفت به ایران امکان داد به یک قدرت منطقه ای تبدیل شود و سیاست فعالی را در منطقه در پیش بگیرد.^(۱۶) نفت در اقتصاد ایران آن چنان در تمام بخش های اقتصادی اثر گذاشته که بررسی بخش های مختلف بدون بررسی بخش نفت، امکان پذیر نخواهد بود.^(۱۷)

وضعیت اقتصاد نفتی ایران قبل از شروع جنگ

بررسی وضعیت اقتصادی هر کشور در یک دوره زمانی خاص، نیازمند آگاهی و اطلاع از اوضاع اقتصادی در سال های قبل از آن دوره، یا به عبارتی شناخت ساختار اقتصادی آن کشور است. بنابراین پیش از پرداختن به اوضاع اقتصادی ایران در دوران جنگ، به طور خلاصه به بیان وضعیت و ویژگی های اقتصاد

ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ می پردازیم.

در اواسط دهه ۱۳۴۰ دولت سهم و دخالت عمده ای در اقتصاد داشت و همواره کاهش و یا افزایش درآمدهای دولت که غالباً از نوسانات قیمت نفت ناشی می شد، بر بخش های مختلف اقتصادی تأثیر می گذاشت.^(۱۸)

قیمت هر بشکه نفت خام در سال های ۱۹۴۸ تا اواسط سال ۱۹۷۳ (سال ۱۳۵۱ شمسی)، از ۲/۵ تا ۳/۵ دلار در نوسان بود. اما با وقوع جنگ دوم اعراب و اسرائیل در اکتبر سال ۱۹۷۳ و طرفداری و حمایت آشکار کشورهای غربی به ویژه آمریکا از اسرائیل و به دنبال آن

اقتصاد ایران
در طول جنگ تحمیلی
سه دوره رکود و رونق
اقتصادی را تجربه
کرده است

روابط ایران و آمریکا باعث شد تولید نفت به کمتر از ۲ میلیون بشکه در روز کاهش یابد.^(۲۰)

وضعیت اقتصاد نفتی ایران در دوران جنگ تحمیلی

جنگ در شرایطی اتفاق افتاد که اقتصاد ایران که تا پیش از انقلاب به شدت به درآمدهای نفتی متکی بود، در آستانه اجرای برنامه‌ها و اقداماتی در جهت خودکفایی و نیز کاهش وابستگی به نفت برای ایجاد تحول در اقتصاد کشور قرار داشت. جنگ باعث شد، درآمدهای نفتی - که صدور آن در آغاز انقلاب به صورت برنامه‌ریزی شده کاهش یافته بود - مجدداً نقش موثر و

عمده‌ای را در اقتصاد ایران ایفا کند.^(۲۱) در اقتصادی نفتی دوره جنگ، علاوه بر دلایلی همچون نوسانات قیمت نفت، دلایل دیگری همچون اعمال نفوذ قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز جنگ نفتکش‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد نفتی کشور تأثیر گذاشت.

قطع صدور نفت ایران،
به مهمترین هدف عراق
در جریان جنگ تحمیلی
تبدیل شده بود

نقش نفت در روند جنگ تحمیلی

شروع، تداوم و خاتمه جنگ ایران و عراق شدیداً با مسائل نفتی عجین شده بود. با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی و سیاسی ایران بعد از انقلاب، دشمنان انقلاب با نگرش کاملاً سیاسی، نفت ایران را مورد توجه قرار می‌دادند و بازی نفت را به گونه‌ای پیش می‌بردند که نهایتاً به سقوط انقلاب اسلامی و شکست ایران در جنگ تحمیلی منجر شود.^(۲۲)

روزنامه کویتی القبس به نقل از مقامات عراقی در فروردین ماه ۱۳۶۰ پیرامون اهداف رژیم بعث از آغاز جنگ تحمیلی می‌نویسد: «هدف آن تصرف خوزستان، اشغال چاه‌های نفت و اعلام استقلال آن و تشکیل

نفت توسط ایران مورد حمایت قرار گرفت و به این ترتیب جناح مترقی اوپک تقویت شد. البته با توجه به ساخت وابسته صنعت و اقتصاد ایران به جز اقدامات یاد شده، می‌بایست گام‌های اساسی دیگری برای تغییر ساخت صنعت نفت کشور برداشته می‌شد.^(۲۳)

در دوره زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ در زمینه صدور نفت مشکلاتی به وجود آمد، به طوری که صادرات نفت خام از ۴/۸ میلیون بشکه در سال ۱۳۵۶، به ۲/۴ میلیون بشکه در سال ۱۳۵۸ و کمتر از یک میلیون بشکه (۷۹۶ هزار بشکه) در سال ۱۳۵۹ کاهش یافت. البته باید به خاطر داشت که قیمت هر بشکه نفت از ۱۳/۴۶ دلار در سال ۱۳۵۷ به ۳۷ دلار در سال ۱۳۵۹ افزایش یافت. در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب، دومین تکانه تاریخ نفت رقم خورد، طوری که در عمل نیز سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت، به رغم کاهش شدید صادرات نفت از ۶۳/۳ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۶۷ درصد در سال ۱۳۵۹ افزایش پیدا کرد.^(۲۴)

در سال‌های قبل از وقوع جنگ تحمیلی، اقتصاد ایران فراز و نشیب‌های زیادی را تجربه کرد که بسیاری از آنها از تحولات سیاسی متأثر بود. در زمینه نفت، می‌توان گفت صدور بی‌رویه نفت و افزایش درآمدهای نفتی و اقتصاد تک‌محصولی بر سطح رفاه و خوداتکایی جامعه موثر بوده‌اند. در این دوران پنج برنامه کلان توسعه با توجه به افزایش درآمدهای نفتی به اجرا در آمد.^(۲۵)

طی ۱۵ سال برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم میزان تولید و صادرات نفت خام همواره افزایش یافت و از حدود ۲ میلیون بشکه در روز در دوره برنامه سوم به حدود ۵ میلیون بشکه در روز در سال‌های آخر برنامه پنجم رسید. به عبارت دیگر، در ظرف ۱۵ سال حدود ۲۰ میلیارد بشکه نفت که معادل یک سوم از کل مخازن نفت مکشوفه در ایران است به خارج صادر شد. اگر این روند ادامه می‌یافت، در کمتر از ۲۰ سال بازدهی مخازن نفت از بین می‌رفت.^(۲۶)

پیش از آغاز جنگ، عواملی همچون دفاع ایران از قیمت بالای نفت، رکود اقتصاد جهانی، افزایش شدید تولید نفت عربستان و عوامل سیاسی ناشی از بحران در

حکومت موقت می باشد.»^(۳۳)

صدام با آرزوی تصرف یک شبه خوزستان و دستیابی به چاه‌ها و تأسیسات نفتی ایران در این منطقه، تهاجم خود را آغاز کرد. او ترجیح می داد این تأسیسات را سالم و آماده به چنگ آورد. اما روند جنگ به نحوی پیش رفت که عراق تأسیسات نفتی خودش را هم از دست داد. از آن پس هدف تصاحب تأسیسات نفتی، جای خود را به نابودی تأسیسات نفتی ایران داد تا با فشارهای اقتصادی و سیاسی ناشی از آن، جمهوری اسلامی ایران از پا درآید. از همان ماههای ابتدایی جنگ، حملات ارتش عراق در جنوب و دیگر نقاط ایران بیشتر بر روی تأسیسات نفتی

متمرکز شد و این تلاش مذبحخانه عراق همچنان در طول جنگ ادامه داشت.^(۳۴)

همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اقتصاد و صنعت غرب در اوج وابستگی به نفت قرار داشت. کشورهای بزرگ صنعتی برای تأمین نفت مورد نیاز خود به شدت به کشورهای جهان سوم و

اوپک به ویژه کشورهای نفت خیز خاورمیانه و حوزه خلیج فارس وابسته بودند. به این ترتیب استقرار نظام انقلابی و اسلامی در کشور نفت خیز ایران که از اعضای مؤسس اوپک و بزرگترین و قدرتمندترین کشور منطقه خلیج فارس بود، امنیت انرژی و اقتصادی این بازیگران را به خطر می انداخت. در نتیجه، آنها استراتژی‌هایی را به اجرا گذاشتند که تحریک و تشویق عراق برای حمله نظامی و همه جانبه به ایران از جمله این استراتژی‌ها بود.^(۳۵)

یکی از دلایل عمده طولانی شدن جنگ ایران و عراق، ثروت ناشی از فروش نفت بود چراکه هر دو کشور از کشورهای نفت خیز دنیا به شمار می رفتند؛

ضمن این که چند کشور ثروتمند نفتی نیز از عراق حمایت می کردند.^(۳۶)

در سال ۱۳۵۸، به رغم کاهش شدید تولید نفت ایران، که از سیاست حکومت انقلابی و همچنین خروج متخصصان خارجی از ایران ناشی می شد، به علت چند برابر شدن قیمت آن (در مقایسه با سال ۱۳۵۶)، عملاً درآمدهای نفتی کشور نه تنها نسبت به سال ۱۳۵۷ کاهش نیافت، بلکه حدود یک میلیارد دلار افزایش یافت و به ۱۹ میلیارد دلار رسید. سال ۱۳۵۹، سال دشواری برای ایران بود، عراق با اشغال بندر خرمشهر، محاصره شبه جزیره آبادان و در تیررس قرار دادن شهر اهواز، فشار سنگینی را بر کشور وارد می ساخت. از نظر اقتصادی نیز، با توجه به وابستگی کشور به درآمدهای نفتی، حمله محدود دشمن به بعضی از مراکز و تأسیسات نفتی، از جمله بزرگترین پالایشگاه جهان در آبادان، تولید نفت کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داد. با توجه به فقدان تجربه جنگی و آسیب پذیر بودن تأسیسات نفتی، به دلیل نبود هر گونه سیستم دفاعی، اعم از عامل و غیرعامل، در ماه نخست جنگ، کلیه تأسیسات نفتی کشور در مناطق نفت خیز جنوب تعطیل شد و در نتیجه، تولید نفت کشور به میزان بسیار زیادی کاهش پیدا کرد.^(۳۷)

علاوه بر مشکلات مربوط به میزان تولید، به دلیل کاهش مصرف به دنبال اجرای برنامه‌های «آژانس بین‌المللی انرژی»، قیمت نفت در سال ۱۳۵۹ کاهش یافت. خودداری خریداران از خرید نفت ایران، که از بی‌اعتمادی آنها به توان ایران برای عمل به تعهداتش (به دلیل در معرض خطر بودن تأسیسات نفتی اش) ناشی می شد، مشکل مضاعفی بود که تا زمان انجام عملیات‌های موفق سال ۱۳۶۱ و خارج شدن تأسیسات نفتی کشور از تیررس مستقیم دشمن همچنان ادامه داشت. البته به اعتقاد بعضی از مقامات ایرانی، عدم خرید نفت ایران، دلایل سیاسی نیز داشت. مهندس غرضی، وزیر اسبق نفت، بعدها در اینباره، پس از اشاره به فروش روزانه حدود پنج میلیون بشکه نفت در قبل از انقلاب، به محدودیت‌های فروش نفت پس از انقلاب اشاره کرده و گفته بود: «امروزه اغلب این بازارها را به

حملات هوایی عراق به

نفتکش‌ها و پایانه‌های ایران

در خلیج فارس پس از اعلام

حمایت آمریکا از کشتی‌های

ممالک بی طرف شدت یافت

مشتریان بیشتری متقاضی خرید نفت ایران شدند. در نتیجه افزایش تولید و رشد قیمت ها، درآمدهای کشور از محل فروش نفت به میزان ۲۱ میلیارد دلار در سال های پس از انقلاب رسید.^(۲۹)

این شرایط باعث شد ایران بتواند توان بیشتری را برای افزایش ظرفیت تولید و صادرات نفت خود صرف کند و مشتریان بیشتری با اطمینان از امنیت و ثبات کشور به صف خریداران بیونندند. این روند طی سال ۶۲، ۶۳ و نیمه اول ۶۴



ادامه داشت.^(۳۰)

همچون سال های پیش، در سال ۱۳۶۲ نیز تحولات صحنه رزم و فروش نفت پایه پای هم به پیش رفتند. ایران، با آزادسازی مناطق اشغالی، همچنان دست بالا را در جبهه جنگ حفظ کرد و در عرصه تولید و فروش نفت نیز توفیقات سال قبل تکرار شد و درآمد کشور از محل فروش نفت از ۲۰/۵ میلیارد دلار گذشت.^(۳۱)

در سال ۱۳۶۳ قیمت نفت در بازار آزاد چندین دلار زیر قیمت رسمی اوپک قرار داشت. علاوه بر این عراق به حملات هوایی در حوزه خلیج فارس شدت بخشید. در سال ۱۳۶۴ شاهد سقوط قیمت نفت و زمزمه کاهش بیشتر و شدیدتر آن برای آینده نزدیک بودیم.^(۳۲) در این سال، هم زمان با چشم انداز کاهش بیشتر قیمت نفت و افزایش عرضه از سوی عربستان به عنوان قدرت اول اوپک، در ایران نیز زمزمه عملیات سرنوشت ساز و شکستن بن بست موجود، مطرح شد.^(۳۳)

در سال ۱۳۶۳، نخستین نشانه های فرسایشی شدن جنگ هویدا شد. کشیده شدن جنگ به مناطق مسکونی، آغاز جنگ نفت کش ها و رو آوردن عراق به سلاح های ممنوعه از جمله مصادیق این واقعیت بود. درآمدهای نفتی نیز، همچون سال های قبل، همراهی محسوسی با وضعیت جبهه ها از خود نشان نداد و مجموع درآمد

علت خط مشی سیاسی نه شرقی نه غربی از دست داده ایم و بعضی کشورها از روی عناد از ما نفت نمی خرنند.^(۳۴) مجموع این عوامل باعث شد درآمدهای نفتی ایران در سال ۱۳۵۹ به شدت کاهش یابد و به رقم ۱۱/۶ میلیارد دلار برسد. در سال ۱۳۶۰ به علت وضعیت نامناسب اقتصادی، آن دسته از مشتریان نفتی که طرفدار عراق و حامیانش بودند، حاضر به خرید نفت ایران نبودند. این مسئله باعث شده در نیمه اول سال ۱۳۶۰ در برخی ماه ها صادرات ایران حتی به روزی ۱۰۰۰ بشکه در روز کاهش یابد، که این رقم با اوج صادرات ایران در سال های قبل از انقلاب که شش میلیون بشکه در روز بود، قابل مقایسه نیست.^(۳۵)

بر خلاف دو سال آغازین جنگ، سال ۱۳۶۱ از هر جهت سال متفاوتی بود. با عزل بنی صدر در نیمه سال ۱۳۶۰، کشمکش های داخلی به سرعت به نفع جناح انقلابی خاتمه یافت و پدیدار شدن انسجام در حاکمیت، آثار خود را در عرصه های مختلف نشان داد. در بهار ۱۳۶۱، اولین پیروزی تعیین کننده در جبهه جنگ نصیب ایران گردید و خرمشهر پس از گذشت بیش از یک سال و نیم آزاد شد. این موفقیت بزرگ اثر خود را در عرصه فروش نفت کشور نیز به جای گذاشت و با خارج شدن تأسیسات نفتی کشور از تیررس مستقیم دشمن،

و قرائن از فعالیت شدید کشورهای حامی عراق برای اعمال فشار و محدودیت بر ایران حکایت داشت. عربستان سعودی با فروش نفت ارزان و افزایش عرضه، درآمدهای نفتی ایران را که بزرگ ترین پشتوانه مادی جنگ بود، به نحو محسوسی کاهش داد.^(۳۹) در این سال، به رغم افزایش مختصر قیمت نفت و ابتکاراتی که در صادرات آن صورت گرفت (و حداقل صادرات در حجم قبلی را ممکن کرد)، درآمدهای نفتی در حد ۹ میلیارد دلار باقی ماند که دیگر هزینه های جنگ را نیز پوشش نمی داد.^(۴۰)

در سال ۱۳۶۷ برای نخستین بار هزینه های جنگ از کل درآمدهای نفتی پیشی گرفت و ۳۰ درصد از آن فراتر رفت (۹۶ میلیارد تومان هزینه جنگ در برابر ۶۶ میلیارد تومان درآمد نفت). این موضوع نشان می داد درآمد کشور برای تأمین هزینه های جنگ کافی نیست.^(۴۱) در سال پایانی جنگ، عراق بمباران مراکز نفتی را هر چه بیشتر تشدید کرد. بعلاوه آمریکا نیز به بهانه تعقیب و گریز قایق های تندرو، سکوهای نفتی ایران را در خلیج فارس مورد حمله قرار داد. این اقدامات نشان می داد که آمریکا و متحدانش برای وادار کردن ایران جهت پایان دادن به جنگ و ترک عملیات نظامی عزم جدی دارند.^(۴۲)

بررسی اوضاع اقتصادی کشور در ادوار مختلف جنگ

بررسی اوضاع اقتصادی در سال های جنگ بیانگر این است که اقتصاد ایران در طول جنگ تحمیلی سه دوره رکود و رونق اقتصادی را تجربه کرده است:^(۴۳)

دوره اول، رکود اقتصادی:

رکود اقتصادی که از نیمه سال ۱۳۵۶ شروع شده بود، با پیروزی انقلاب و مشکلات داخلی و آغاز جنگ، تا سال ۱۳۶۰ ادامه یافت. در این دوره با وجود بالا بودن قیمت نفت در بازارهای جهانی، درآمدهای نفتی ایران به دلیل کاهش صادرات نفت، تنزل یافته بود. رکود اقتصادی، بالا بودن قیمت نفت، تولید و صادرات پایین نفت از خصوصیات این دوره بوده است.^(۴۴)

کشور از محل فروش نفت خام به حدود ۱۶/۵ میلیارد دلار کاهش پیدا کرد که نشان دهنده رکود در بازار نفت بود.^(۳۴)

سال ۱۳۶۴ سال تعیین کننده ای در سرنوشت جنگ بود. در این سال، به ظاهر موعد عملیات نهایی یا سرنوشت ساز که مقامات کشور نوید آن را از مدت ها قبل داده بودند، رسیده بود. در این راستا، با تسخیر بندر استراتژیک «فاو» هر چند راه دسترسی عراق به دریا بسته شد، اما بر خلاف تصور طراحان این عملیات، نه تنها گره کور جنگ باز نشد، بلکه با منسجم تر شدن جبهه مخالف ایران، اوضاع بیش از پیش پیچیده شد. پس از اینکه حامیان عرب رژیم عراق از رایزنی های سال ۱۳۶۳ خود با ایران برای خاتمه دادن به جنگ به نتیجه ای نرسیدند، این کشورها به رهبری عربستان به فاز جدیدی وارد شدند که بعدها به «جنگ قیمت ها» شهرت یافت.^(۳۵) در هر حال سال ۱۳۶۴، با فراز و فرودهای فراوان و سقوط درآمدهای نفتی ایران به ۱۲/۹ میلیارد دلار، به

تشدید حملات هوایی عراق به مراکز نفتی در خلیج فارس و خطر گسترش دامنه جنگ به کشورهای منطقه، زمینه مداخله مستقیم کانون های قدرت را فراهم ساخت

پایان رسید.^(۳۶)

به رغم کاهش شدید درآمدهای نفتی ایران در سال ۱۳۶۴، تأثیرات اصلی «جنگ قیمت ها» در سال ۱۳۶۵ رخ نمود؛ زیرا از آغاز جنگ تا این سال، هزینه های جنگ حدود یک سوم درآمدهای نفتی بود، اما در این سال، با کاهش درآمدهای نفتی و افزایش هزینه های جنگ، به تدریج این دو با هم برابر شدند.^(۳۷) کاهش شدید قیمت و میزان صادرات نفت باعث شد، فروش نفت ایران در سال ۱۳۶۵ به حدود ۵/۹ میلیارد دلار کاهش یابد. کاهش درآمدهای نفتی، علاوه بر جنگ، زندگی روزمره مردم را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داد.^(۳۸) در سال ۱۳۶۶ در پی تشدید جنگ نفتکش ها، اخبار

دوره دوم، رونق اقتصادی:

در این دوره با افزایش صادرات نفتی، درآمدهای حاصل از آن نیز افزایش یافت، لذا برخی شاخص های اقتصادی نشان دهنده بهبود اوضاع اقتصادی در سال ۱۳۶۱، نسبت به دو سال قبل از آن می باشد. بالا بودن قیمت نفت در بازارهای جهانی، افزایش تولید و صادرات نفت ایران نسبت به سال های اولیه جنگ و دوره جدیدی از حملات عراق به تأسیسات نفتی و نفتکش های حامل نفت ایران با هدف قطع صادرات نفت ایران به خارج، از خصوصیات این دوره بوده است.^(۴۶) در این دوره زمانی، اوضاع اقتصادی ایران به دلیل درآمدهای حاصل از نفت، استفاده از ظرفیت های داخلی کشور و همچنین ثبات سیاسی و اقتصادی رو به بهبود گذاشت. البته همان گونه که بیان شد مناسب بودن قیمت نفت و

درآمدهای حاصل از فروش آن، بر ثبات اقتصادی کشور در این دوره تأثیر گذار بوده است.^(۴۷)

دوره سوم، رکود شدید اقتصادی (۱۳۶۷-۱۳۶۵):

رکود شدید اقتصادی، کاهش شدید قیمت نفت و درآمدهای نفتی، گسترش و تشدید جنگ نفتکش ها، از خصوصیات این دوره است. بررسی شاخص های اقتصادی این دوره حاکی از رکود شدید اقتصادی است که از سال ۱۳۶۵ شروع و در سال ۱۳۶۷ به اوج خود رسید که مهم ترین دلیل آن کاهش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی از آخرین ماه های سال ۱۳۶۴ بود.^(۴۸) جداول زیر، میزان تولید و قیمت نفت ایران را در سال های جنگ تحمیلی از جمله سه سال پایانی نشان می دهد.

قیمت (فروش نقدی) نفت سبک و سنگین ایران در بازارهای جهانی در سال های جنگ - بر حسب بشکه دلار^(۴۹)

سال	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷
قیمت	(۱۹۸۰)	(۱۹۸۱)	(۱۹۸۲)	(۱۹۸۳)	(۱۹۸۴)	(۱۹۸۵)	(۱۹۸۶)	(۱۹۸۷)	(۱۹۸۸)
نفت سبک	۳۴/۲	۳۳/۲	۳۰/۳	۲۸/۱	۲۶/۸	۲۶	۱۳/۵	۱۷	۱۳/۲
نفت سنگین	۳۳/۹	۳۷/۵	۲۸/۷	۲۷/۲	۲۶/۱	۲۵/۵	۱۳	۱۶/۵	۱۲/۸

جدول تولید روزانه نفت ایران میلیون بشکه^(۵۰)

سال	ایران	عراق
۱۹۷۹	۵/۲	۲/۶
۱۹۸۰	۷/۲	۲/۵
۱۹۸۱	۷/۴	۷/۰۰
۱۹۸۲	۲/۳	۱
۱۹۸۳	۲/۵	۰/۹
۱۹۸۴	۲/۲	۷/۲
۱۹۸۵ (حداقل - حداکثر)	۲۳ (۱/۹ - ۲/۶)	۱۴ (۱/۳ - ۱/۷)
۱۹۸۶ (حداقل - حداکثر)	۱۹ (۷/۵ - ۲/۲)	۱۷ (۷/۸ - ۱/۸)
۱۹۸۷ (حداقل - حداکثر)	(۱۷ - ۲/۷)	(۲/۶ - ۱/۷)

جنگ نفتکش‌ها

با آغاز جنگ تحمیلی در آخرین روز شهریور ماه سال ۱۳۵۹، مراکز، تأسیسات و مجتمع‌های صنایع نفت، هدف شدیدترین تهاجمات زمینی و هوایی دشمن قرار گرفت. در این دوران فراز تازه‌ای موسوم به "جنگ نفتکش‌ها" آغاز شد و چاه‌ها و سکوها نفتی نیز از هجوم دشمن در امان نماند.^(۵۲)

جنگ نفتکش‌ها با عملیات رمضان و حمله عراق به جزیره خارک شروع شد. از

این پس تا پایان سال ۱۳۶۲ تمام تلاش‌های عراق بر این موضوع متمرکز بود که کارایی جزیره خارک را برای صادرات نفت ایران مختل کند.^(۵۳)

به جز رکودی که در آغاز جنگ به وجود آمد، جنگ تأثیر قابل توجهی بر درآمدها و صادرات نفتی ایران نداشت تا اینکه در سال ۱۹۸۴، عراق حملات خود را علیه نفتکش‌ها در خلیج فارس آغاز کرد. در آگوست و سپتامبر ۱۹۸۵، حملات هواپیماهای عراقی علیه پایانه اصلی ایران در جزیره خارک، به کاهش سریع صادرات ایران برای مدت کوتاهی منجر گردید. بمباران‌های عراق در نیمه دوم سال ۱۹۸۶ مشکلات درآمدی ایران را وخیم‌تر کرد. در واقع وابستگی ایران به نفت در زمانی که بازار نفت دچار رکود شده بود، شدیدتر بود.^(۵۴)

جنگ نفتکش‌ها بیانگر تشدید درگیری و شکل‌گیری جنگ دریایی بود. بعد از آغاز جنگ در سال ۱۳۵۹، جنگ نفتکش‌ها با ساختار کلی جنگ در خلیج فارس چنان در هم آمیخته بود، که تفکیک جنگ دریایی از روند کلی جنگ غیر ممکن بود.^(۵۵)

در دو سال اولیه جنگ، تعداد هشت فروند کشتی تجاری و نفتکش ایران مورد اصابت قرار گرفت و مراکز و تأسیسات نفتی همچون پالایشگاه‌ها و خطوط انتقال نفت و چاه‌های نفت در خطر اشغال متجاوز و تیررس



آن قرار گرفت. پالایشگاه آبادان با ظرفیت بالای ۶۲۰ هزار بشکه در روز که ظرفیتی نزدیک به مجموع ظرفیت سایر پالایشگاه‌های ایران را داشت، با آغاز هجوم ارتش عراق از فعالیت باز ایستاد و تا پایان جنگ مورد استفاده قرار نگرفت و همواره در معرض آتش دشمن بود.^(۵۶)

افزون بر مشکل کاهش قیمت نفت، در طول سه سال پایانی جنگ، به کرات پایانه نفتی خارک، نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری ایران، مورد اصابت موشک‌ها و راکت‌های هواپیماهای عراق قرار گرفت. در این دوره ۴۴ فروند کشتی نفتکش مورد اصابت قرار گرفت.^(۵۷) مهم‌ترین اقدام عراق در دو سال پایانی جنگ تشدید حمله به نفتکش‌ها و ناامن کردن خلیج فارس بود که ابعاد بین‌المللی به جنگ داد و کشور‌های بزرگ را به دخالت بیشتر در جنگ تشویق کرد.^(۵۸)

در اثر تهدید شرکت‌های خارجی صادرکننده نفت ایران و حمله به نفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی و کشتی‌های تجاری، وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی رو به وخامت گذاشت. تشدید درگیری در خلیج فارس و حمله به پایانه‌های نفتی ایران توسط عراق بر پایه این تحلیل انجام می‌گرفت که مادام که ایران قادر به تولید و فروش نفت و سپس تهیه سلاح باشد، به جنگ ادامه خواهد داد. بنابراین، قطع صدور نفت ایران،

ترتیب در سال ۱۹۸۵ تعدا ۴۷ فروند، در سال ۱۹۸۶ تعداد ۱۰۷ فروند و در سال ۱۹۸۷ تعداد ۳۳۳ فروند کشتی در خلیج فارس مورد حمله قرار گرفتند.^(۶۵)

تأثیرات جنگ تحمیلی بر نفت (تولید، صادرات و درآمدهای ارزی حاصل از آن)

نخستین برداشت از آثار اقتصادی جنگ تحمیلی این فرض را پیش می‌آورد که اگر جنگ واقع نمی‌شد، مسیر رشد اقتصادی ایران چگونه بود و وقوع جنگ چه تأثیر مخربی بر آن گذاشت؟

جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، که از ۳۱

شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد و تا مرداد ۱۳۶۷ ادامه داشت خسارت‌ها و ویرانی‌های بسیاری را به بار آورد که با گذشت بیست و یک سال از پایان این جنگ آثار آن هنوز باقی است.^(۶۶)

اولین تأثیر جنگ بر نفت، کاهش شدید تولید نفت ایران بود، به گونه‌ای که با گذشت کمتر از چند ماه از آغاز جنگ مجموعاً نزدیک به

چهار میلیون بشکه از میزان تولید نفت کشور کاهش یافت. این امر که می‌توانست تأثیرات زیادی را بر امنیت انرژی و اقتصاد جهان باقی بگذارد، چند دلیل داشت: اولاً عراق از ابتدای جنگ، از طریق زمین، هوا و دریا، مراکز نفتی ایران را به عنوان مهم‌ترین هدف‌های جنگی مورد هجوم قرار داد. بارزترین نمونه آن تمرکز شدید آتش بر روی پالایشگاه آبادان بود که بیش از نیمی از فرآورده‌های نفتی کشور را تأمین می‌کرد.^(۶۷)

ثانیاً به علت حاکم شدن شرایط جنگی در منطقه خلیج فارس و بی‌ثباتی حاصل از آن، مشتریان نفتی چندین رغبتی برای خرید نفت از این منطقه نشان نمی‌دادند. بی‌میلی خریداران از خرید نفت ایران تنها به

به مهمترین هدف عراق تبدیل شده بود.^(۶۸) حملات هوایی عراق به نفتکش‌ها و پایانه‌های ایران در خلیج فارس پس از اعلام حمایت آمریکا از کشتی‌های ممالک بی‌طرف در مقابل حملات احتمالی ایران شدت یافت.^(۶۹)

با حمله عراق به نفتکش‌ها، ایران از سه طریق تحت فشار فزاینده قرار گرفت:

الف) کاهش درآمدهای نفتی از طریق محدود شدن صدور نفت،

ب) افزایش هزینه‌های تولید و صدور نفت به دلیل ایراد خسارات به منابع و پایانه‌های نفتی،

ج) تخلف کشورهای صادرکننده نفت به ویژه عربستان و کویت از سهمیه‌های تعیین شده و کاهش قیمت آن.

این روند تا آنجا پیش رفت که قیمت نفت که در سال ۱۳۵۹ بشکه‌ای ۴۱ دلار بود، در سال‌های پایانی جنگ به ۱۵ دلار رسید.^(۷۰)

جنگ، خسارات سنگینی بر تأسیسات نفتی ایران وارد ساخت و تولید و صدور نفت ایران را با مشکلات عدیده‌ای مواجه نمود، به طوری که حجم صادرات مواد نفتی از حدود سه میلیون بشکه در روز قبل از آغاز جنگ به تدریج تا نصف آن تقلیل یافت.^(۷۱)

عراق در طول جنگ نفتکش‌ها جنگ تبلیغاتی بزرگی را به راه انداخت. اگرچه عراق تعداد زیادی از هدف‌ها را مورد اصابت قرار داد، اما نتوانست آن چنان بر توان صدور نفت ایران تأثیر بگذارد و قیمت نفت در بازارهای حساس نفتی به جز مقدار اندکی تغییر نکرد. با اینکه صادرات نفتی ایران بر اثر جست‌وجوی خریداران برای یافتن منابع جدید خرید، به مدت چند روز به میزان ۵۰ درصد کاهش یافت، اما روند تولید نفت ایران به سرعت دوباره ترمیم گشت و روشن شد که هواپیماهای مجهز به موشک‌های اگزوسه عراق قادرند بر روند صادرات نفت ایران تأثیر بگذارند، اما نمی‌توانند آن را متوقف سازند.^(۷۲) علیرغم تمامی فشارهایی که با هدف به زانو در آوردن صنعت نفت و اقتصاد ایران صورت می‌گرفت صادرات نفت کشور حتی برای یک روز نیز قطع نشد.^(۷۳)

در مجموع طی مراحل مختلف جنگ نفتکش‌ها به

علاوه بر تحریم‌های نفتی، آمریکا قصد داشت با استراتژی جنگ محدود علیه ایران این کشور را به پای میز مذاکره بکشاند

به طور عمده بر پایه نفت قرار داشته و دارد. شروع، تداوم و پایان جنگ ایران و عراق شدیداً با مسائل نفتی گره خورده بود و با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی و سیاسی ایران بعد از انقلاب، دشمنان انقلاب با نگرش کاملاً سیاسی به نفت ایران توجه می کردند و بازری نفت را به گونه ای پیش می بردند که نهایتاً به سقوط انقلاب اسلامی و شکست کشور در جنگ تحمیلی منجر شود.

بررسی اوضاع اقتصادی ایران در طول جنگ حکایت از آن دارد که اوضاع کشور به لحاظ رکود و رونق اقتصادی در طول جنگ یکنواخت و یکسان نبوده است. رکودی که از سال ۱۳۵۶ شروع شده بود، با آغاز جنگ عمیق تر شد و تولید و صادرات نفت پایین تر از توان کشور بود. دوره دوم از سال ۱۳۶۱ تا اواخر سال ۱۳۶۴ دوره رونق اقتصادی بود که به دلیل افزایش صادرات نفت و کسب درآمدهای بالای نفتی اوضاع اقتصادی بهبود یافت و دوره سوم که از سال ۱۳۶۵ تا پایان جنگ با رکود شدید اقتصادی همراه بود. در طول جنگ، علاوه بر نوسانات قیمت نفت و سایر مشکلات ناشی از جنگ، تهاجم عراق به مراکز و تأسیسات نفتی و تحمیل ضایعات و خسارات بر آنها از موارد مهمی بود که از آغاز تا پایان جنگ ادامه داشت. کمک های اقتصادی دولت های عربی و غربی به عراق نقش تعیین کننده ای در اقتصاد این کشور داشت.

با مروری بر وضعیت صادرات و فروش نفت طی دوران قبل و بعد از جنگ تحمیلی می توان دریافت به بخش نفت به عنوان بخش کلیدی اقتصاد ایران از دیدگاه ظرفیت تولیدی و صادرات و تأمین منابع ارزی کشور، صدمات و خسارات عمده ای وارد گردید.

علیرغم این صدمات و خسارت ها به دنبال پایان یافتن جنگ علاوه بر بازسازی و جبران خسارت ها، تلاش دامنه داری در حوزه های برنامه ریزی و عملیاتی شکل گرفت و صنعت نفت به عنوان محور تحولات و دگرگونی اساسی در فرایند رشد و توسعه، فصل نوینی از فعالیت های خود را آغاز کرد.

خاطر جنگی بودن منطقه نبود، بلکه عدم خرید نفت از ایران عمدتاً با انگیزه محروم کردن آن از درآمدهای نفتی و از دست دان توان دفاعی صورت می گرفت.^(۶۸) تولید نفت در پایان جنگ به حدود ۲/۶ میلیون بشکه در روز کاهش یافت، در حالی که ۱۰ سال پیش از آن، ایران ۵/۷ میلیون بشکه نفت صادر می کرد.^(۶۹)

طبق گزارش سازمان ملل در مورد غرامت ایران در جنگ تحمیلی، تأسیسات نفتی کشورمان بارها مورد هجوم قرار گرفتند. از جمله پالایشگاه آبادان، که یکی از بزرگترین پالایشگاه های جهان است، به طور قابل توجهی تخریب شد. انهدام حوزه های نفتی و گازی جزیره خارک، که

بزرگ ترین تأسیسات بارگیری نفتی جهان است، به شدت آسیب دید و توانایی ایران برای ایجاد منابع کافی جهت رفع نیازهای ملی به شدت کاهش یافت.^(۷۰)

مجموع خسارات وارده ناشی از جنگ به لحاظ عدم تولید، استخراج، پالایش و فروش نفت و فرآورده های آن بالغ بر

۲۴۸۷ میلیارد ریال برابر با ۳/۸ میلیارد دلار بوده است. با توجه به اهمیت درآمد نفت در کل اقتصاد ایران تأثیر منفی چنین خساراتی در تولید و صادرات نفت بسیار قابل توجه است.^(۷۱)

خسارت های مستقیم و غیر مستقیم وارد شده بر بخش نفت به ترتیب معادل ۷۳۸۲۶۲۵ و ۱۳۴۱۶۹۱۵ میلیون ریال و در مجموع، خسارت های این بخش معادل ۲۰۷۹۹۵۴۰ میلیون ریال بوده است.^(۷۲)

نتیجه گیری

نفت و صنعت نفت در اقتصاد کشورهای تولیدکننده این ماده گرانبها نقش اساسی را ایفا می کند. اقتصاد ایران نیز

همکاری ناوهای جنگی آمریکا با جنگنده های عراقی برای حمله به نفتکش های ایرانی در خلیج فارس و انهدام ترمینال های نفتی ایران بخشی از استراتژی آمریکا در جنگ بود

یادداشت‌ها:

۲۷. دژپسند، پیشین، ص ۹۵.
 ۲۸. حشمت زاده، پیشین، ص ۴۹.
 ۲۹. همانجا.
 ۳۰. همان، ص ۵۳.
 ۳۱. روزشمار جنگ ایران و عراق، ج ۴۳، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۲۶.
 ۳۲. حشمت زاده، پیشین، ص ۵۸.
 ۳۳. همان، ص ۶۰.
 ۳۴. روزشمار جنگ ایران و عراق، ج ۴۳، ص ۲۷.
 ۳۵. همانجا.
 ۳۶. رزاقی، پیشین، صص ۳۶۴-۳۶۳.
 ۳۷. همانجا.
 ۳۸. کامران مفید، پیشین، صص ۹۵-۹۰.
 ۳۹. حشمت زاده، پیشین، ص ۶۷.
 ۴۰. روزنامه ایران، ۱۳۸۴/۱۲/۶، ص ۳۶۴.
 ۴۱. حشمت زاده، پیشین، ص ۳۶۴.
 ۴۲. حشمت زاده، پیشین، ص ۶۹.
 ۴۳. خلعت بری، پیشین، ص ۵۹.
 ۴۴. دژپسند، پیشین، ص ۹۴.
 ۴۵. همان، ص ۹۵.
 ۴۶. همان، ص ۹۶.
 ۴۷. همان، ص ۹۷.
 ۴۸. همان، ص ۹۸.
 ۴۹. همان، ص ۱۹۷.
 ۵۰. کامران مفید، هزینه اقتصادی جنگ ایران و عراق، فصلنامه نگین ایران، شماره ۵، ۱۳۸۲، صص ۹۵-۹۰. دژپسند، پیشین، ص ۱۰۴.
 ۵۱. مجتبی آقایی، نفت در گذر زمان از پیدایش تا جنگ تحمیلی، تهران: وزارت نفت، ۱۳۸۰، ص ۱۹.
 ۵۲. محمد درودیان، روند پایان جنگ، تهران: سپاه پاسداران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۴، ص ۱۶۴.
 ۵۳. رالف کینگ و افرایم کارش، جنگ ایران - عراق، پیامدهای سیاسی، تحلیل نظامی، ترجمه: سید سعادت حسینی دماهی، تهران: سپاه پاسداران، مرکز اسناد دفاع مقدس، ۱۳۸۷، ص ۶۳.
 ۵۴. درودیان، پیشین، ص ۱۶۳.
 ۵۵. دژپسند، پیشین، ص ۹۵.
 ۵۶. همان، ص ۹۹.
 ۵۷. یحیی فوزی تویسرکانی، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب
۱. محمد باقر حشمت زاده، جنگ تحمیلی و نفت، در مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد معاونت تحقیق و پژوهش، ۱۳۷۳، ص ۳۴.
 ۲. ایرج ذوقی، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، تهران: پاژنگ، ۱۳۷۵، ص ۲۲.
 ۳. فیروزه خلعت بری، مبانی اقتصادی نفت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳.
 ۴. همان، ص ۱۳۲.
 ۵. ذوقی، پیشین، ص ۳۲.
 ۶. همان، ص ۳۵.
 ۷. ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۶۷، ص ۵۱۰.
 ۸. اصغر جعفری ولدانی، روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: آوای نور، ۱۳۸۲، ص ۴۷.
 ۹. محمد علی خطیب، اقتصاد ایران، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۸.
 ۱۰. فرهاد دژپسند و حمیدرضا رئوفی، اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، تهران: سپاه پاسداران، مرکز اسناد دفاع مقدس، ۱۳۸۷، ص ۷۸.
 ۱۱. همان، ص ۷۹.
 ۱۲. همان، ص ۸۰.
 ۱۳. همان، ص ۸۱.
 ۱۴. سعید میرترابی، مسائل نفت ایران، تهران: قومس، ۱۳۸۴، ص ۹۱.
 ۱۵. رزاقی، پیشین، ص ۴۶۵.
 ۱۶. همان، ص ۴۶۶.
 ۱۷. دژپسند، پیشین، ص ۸۱.
 ۱۸. حسن دادگر، اقتصاد ایران، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۵، ص ۱۵.
 ۱۹. همان، ص ۲۰.
 ۲۰. همان، ص ۲۲.
 ۲۱. دژپسند، پیشین، ص ۹۲.
 ۲۲. همان، ص ۹۵.
 ۲۳. نفت و جنگ، تهران: روابط عمومی و ارشاد وزارت نفت، ۱۳۶۵، ص ۱۳.
 ۲۴. حشمت زاده، پیشین، ص ۳۵.
 ۲۵. همان، ص ۴۵.
 ۲۶. همان، ص ۴۷.

اسلامی در ایران، جلد دوم، تهران: عروج، ۱۳۸۴، ص ۶۹.

۵۸. همان، ص ۷۰.

۵۹. محمود طلوعی، بازی قدرت: جنگ نفت در خاورمیانه، تهران:

نشر علمی، ۱۳۷۱، ص ۳۱۶.

۶۰. کینگ و کارش، پیشین، ص ۶۱.

۶۱. طلوعی، پیشین، ص ۲۹۷.

۶۲. همان، ص ۱۷۸.

۶۳. آقایی، پیشین، ص ۲۰.

۶۴. فوزی، پیشین، ص ۷۰.

۶۵. دژپسند، پیشین، ص ۱۸۴.

۶۶. حشمت زاده، پیشین، ص ۴۵.

۶۷. همان، ص ۴۶.

۶۸. "گلوله‌ای بر تن اقتصاد"، نشریه سرمایه، ۱۳۸۴.

۶۹. مهدی قمصریان، گزارشی از غرامت ایران در جنگ تحمیلی،

۱۳۸۳ (www.Sharifnews.com)

۷۰. رزاقی، پیشین، ص ۲۵۷.

۷۱. دژپسند، پیشین، ص ۱۹۸.